ایران تنها راه نجات چین



نویسنده : دکتر مسیح رضوانی

سلام ، من دکترمسیح رضوانی،دارای مدرک مهندسی مکانیک، فوق لیسانس مدیر یت بازرگانی و فوق لیسانس مدیریت پروژه و دکتری در : مدیریت استراتژیک عرضه و تقاضای انرژی، (تخصص استراتژی عرضه و تقاضای نفت)، نزدیک به ۱۰ سال را به عنوان یک تحلیلگر فنی ، محقق ، مدرس و مشاوره بازرگانی گذرانده ام ، تخصص من این است که فرصت هایی که توسط 99/99 درصد سرمایه گذاران - به ویژه شرکت هایی که در آستانه پیشرفت های بزرگ بالقوه هستند. - نادیده گرفته شده است را برایشان کشف کنم . من به دنبال سرمایه گذارانی هستم که در پی کشف عوامل کلیدی پنهان هستند که آنها را "درپشت درب" یک روند در حال ظهور قرار دهم و تصویری از یک دنیای سرمایه گذاری کاملا دگرگون شده را ترسیم کنم و بینشی را که برای به دست آوردن سودهای بی سابقه نیاز دارند را ارایه دهم .

ایران – چین

این روزها موج های رسانه ای بابت یک قرارداد ساده چین با عربستان به راه افتاده است ، در ایران ، کسانی که تا دیروز صحبت از فروش ایران به چین می‌کردند ، امروز برای پوشش دادن شکست های جبهه غرب در مقابل اتحاد شرق شروع به سواستفاده از احساس وطن دوستی ایرانیان کرده اند.

تمام صحبت آنان این است که چین ایران را به عربستان فروخته یا ایران توسط چین بازی داده شده است...

قبل از ادامه تحلیل میخواهم یادآوری کنم بنده در زمانی که همه این افراد از فروش ایران به چین صحبت می‌کردند ، در تحلیلی به اهمیت بازگشت سریع دو استان سابق ایران (امارات و بحرین) به خاک مادریشان ایران ،اشاره کرده و دلیل آن را عدم حضور و نفوذ قدرت‌های آتی دنیا مثل چین بجای آمریکا در خلیج فارس را بیان کرده ام.

مروری به اتفاقات رخ داده در سال 2009 :

آمریکا از سال 2000 و پس از حمله به افغانستان و عراق سودای حمله به ایران و یا تغییر حاکمیت ایران را با فشار نظامی در سر دارد، این نقشه پس از شکست اسرائیل در جنگ تابستان با حزب الله لبنان و سال بعد با مقاومت فلسطین، کاملا شکست خورد و اعلام کردند دیگر

ایران با حربه نظامی تغییر رفتار (جهت منافع ایالات متحده) نمی‌دهد، سپس سیاست آمریکا به سمت تغییر حاکمیت ایران با فشار شدید همه جانبه به مردم عادی و استفاده از مهره های خود در درون سیستم ایران تغییر کرد ، لذا ، برای فشار بیشتر به ایران نیاز به یک اجماع جهانی بود و برای موفقیت در تشکیل این اجماع جهانی باید چین و روسیه را هم راضی می‌کردند.

در آن سال‌ها اژدهای چین بیدار شده بود و روسیه هم کم‌کم پی برده بود جایی برای این کشور در اتحادیه اروپا وجود ندارد، به همین دلیل جلب حمایت آنان بسیار مشکل بود ، آمریکا جهت تامین رضایت این دو ، دست روی موضوع حساس امنیت ملی آنان گذاشت ، (ایران اتمی)!

هیچ کشوری در دنیا حاضر نیست یک کشور اتمی دیگر را به رسمیت بشناسد مگر کشورهایی که با یکدیگر اتحادهای استراتژیک بلند مدت دارند و دو کشور چین و روسیه هم تحت این پروپاگاندای رسانه ای علیه ایران متحد شدند ، بعد از آن ما شاهد شاهکار سیاسی ایران هستیم.

سیاست خارجی ایران در کنار سیاست منطقه ای اش کار را به جایی رسانید که چین و روسیه امروز متحد اصلی ایران محسوب شده و این دو کشور برای دریافت توجه بیشتر ایران باهم رقابت میکنند.

هدف از این گذر تاریخی این بود که به شرایط کنونی رابطه ایران با چین بهتر توجه کنیم.

در سال‌های بعد از اجماع جهانی علیه ایران، سیاست مقابله ایران با آمریکا و انتقال نقاط بحرانی از خاورمیانه به سمت نقاط حساس کریدورهای دریایی تجارت جهانی،باعث شد چین به فکر احیای ابرکریدور راه ابریشم باشد، دو اقتصاد بزرگ در دنیا تا سال 2020 وجود داشتند یکی آمریکا و دیگری چین، از زمان ریاست جمهوری اوباما در دور دوم و بعد ترامپ به عنوان رییس جمهور جدید ،ی ک جنگ تجاری تمام عیار بین آمریکا وچین درگرفت که چین بازنده اصلی آن بود و هزینه زیادی نیز پرداخت کرد .

علت باخت چین این بود که مسیرهای تجاری چین از مبدا تا به مقصد تحت کنترل و سیطره و نفوذ آمریکا-ناتو بود ، هرکجا که لازم بود به چین فشار بیشتر وارد شود کافی بود این مسیرها را برای مدتی ناامن کنند ، انتشار خبر سرقت دزدان دریایی از یک کشتی کافی بود تا پارامتر های زیادی از نرخ بیمه‌نامه کشتی تا تغییر مسیر حرکتی و.. جابجا شوند و هزینه زیادی روی دست چین بگذارند ، به همین دلیل جنس در مقصد گران‌تر عرضه می شد تا این هزینه ها را پوشش دهد و در این میان تجار اروپایی یا آمریکایی به راحتی بازار های چین را از آن خود می‌کردند.

در بخش راههای زمینی هم آمریکا با ناامن کردن افغانستان و پاکستان عملا دست چین را بسته بود ، درگیری ایران با آمریکا در ذیل سیاست احیای امپراتوری محور مقاومت از ایران تا مدیترانه باعث شد افق های یک شاهراه جدید در مقابل چین شکل بگیرد که بسیار ارزان تر و سریعتر از راه دریا بود.

در این میان ایران با زیرکی و با همکاری سایر اعضای محور مقاومت کاری کرد که نقاط بحرانی داخل منطقه غرب آسیا(خاورمیانه) به سمت مسیر های بحری(دریایی) تجارتی حرکت کند و شاهراه های دریایی تجارت بین آسیا و اروپا و دریای مدیترانه (که در اصل نزدیکترین مسیر حرکتی به سمت قاره آمریکا بود) نیز به خطر مواجه شود ، این انتقال بحران باعث شد تجارت دریایی برای چین و هند هزینه زا شود ، همچنین اروپایی ها جهت رسیدن به بازار های آسیایی دچار مشکل اساسی شوند ، یکی از اصلی ترین نقاط بحران دریای سرخ بود که امنیت آن با روی کار آمدن حوثی ها در یمن عملا به دست محور مقاومت افتاد و در ساحل شمال شرق آفریقا در دریای سرخ نیز نفوذ ایران گسترش یافت.

بعد از سرکوب حمله جهانی به سوریه، عملا محور مقاومت توانست به لبنان دسترسی کافی پیدا کند و از آنجا هم مدیترانه را تحت نفوذ قرار دهد ، اصل موجودیت اسرائیل در ابتدا برای برتری غربی ها در این نقطه تلاقی سه قاره بوده است.

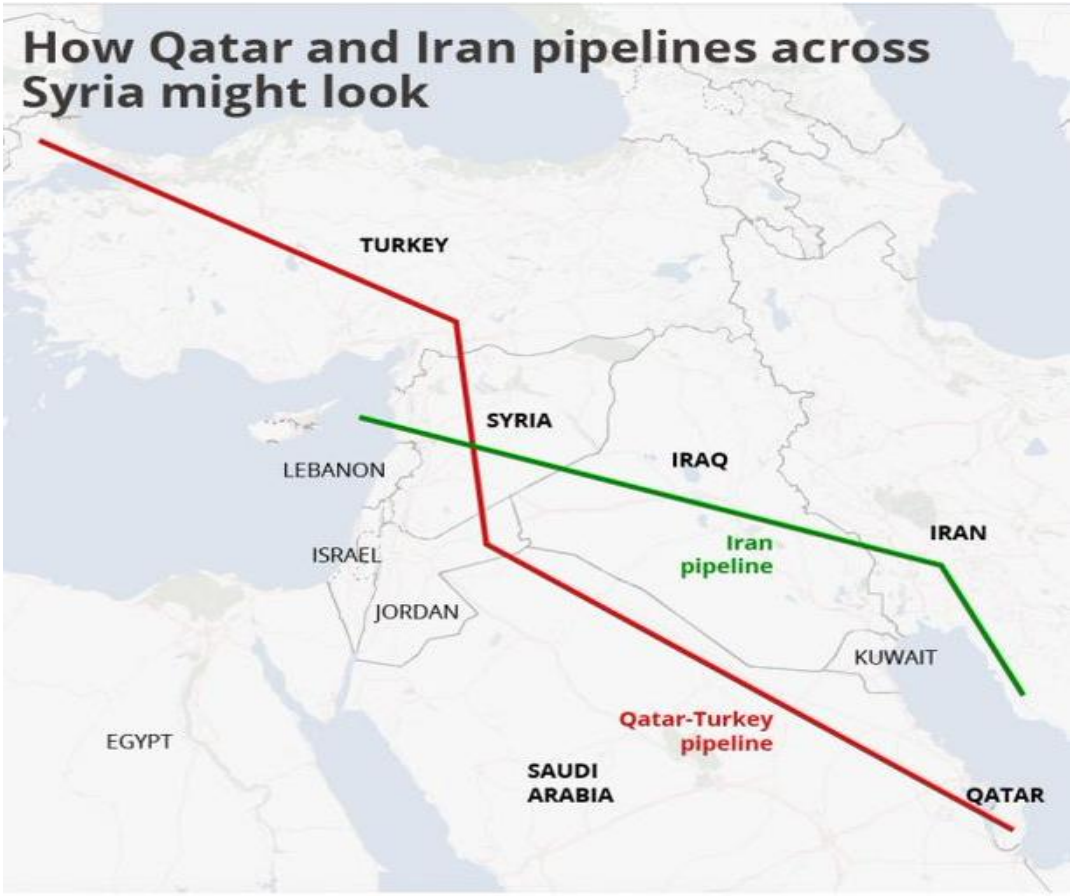
در کل پس از موفقیت آمیز بودن طرح انتقال نقاط بحرانی توسط ایران،چین عملا چاره ای نداشت جز آنکه در مسیر زمینی جهت اتصال به بازار های اروپا و آفریقا سرمایه گذاری بلندمدت انجام دهد و این به معنی شکل گیری اولیه اتحاد محور شرق توسط چین و ایران بود،اما قبل از آن ایران توانسته بود با اشتباه محاسباتی غربی ها در سوریه پای روسیه را به این درگیری بازکند، حال سال‌های پایان دولت روحانی است و محور مقاومت در جبهه سوریه پیروز شده است، آمریکا به عربستان دستور داده بود به هر نحو ممکن امنیت مسیر تجاری دریای سرخ را از دست ایران خارج کند که او هم بعد از 8 سال حتی با تمام پشتیبانی دنیا شکست خورد.

حمایت گسترده چین از عربستان در آن مقطع و فروش بی وقفه سلاح های نظامی به عربستان بابت برگشت امنیت این آبراه به نظم سابق بود، اما شکست عربستان در یمن باعث شد چین ناچار به سمت ایران حرکت کند زیرا می‌دانست دیگر امنیت مسیر دریایی خود را از دست داده است و ایران برای بهرمند شدن از کریدور های زمینی تجارت جهانی و خروج از آن تحریم های گسترده ناعادلانه هرگز اجازه نمی‌دهد که چین و یا کشور دیگری به راحتی از آن مسیر ها عبور

کند ، راه عبور تجارت چین به سمت اروپا کم‌کم به سمت ایران و بعد ناچارا (فعلا) حرکت به سمت ارمنستان و بعد گرجستان یا روسیه و اروپا تغییر کرد.

به همین دلیل در این مقطع روسیه سعی می‌کرد بحران اسرائیل و سوریه ادامه یابد تا این مسیر مسدود باشد و کریدور ناچار از ایران به سمت ارمنستان یا آذربایجان و از روسیه عبور کند ، درواقع با این کار روسیه شاهراه جنوب به شمال را برای هند مطرح کرد که آنهم از ایران می‌گذرد ، لازم به یادآوری است که جنگ سوریه خود بابت تعریف یک مسیر کریدوری جدید برای دور زدن ایران – روسیه و ایجاد مسیر انتقال انرژی مستقل از اکراین بود و حضور ایران در سوریه در درجه دوم بعد از حمایت از مقدسات شیعه برای نابود کردن این نقشه بوده است .

در کل همه دعوا ها برای ایجاد یک کریدور راه ابریشم جهت تجارت جهانی آسیا و دنیا (اوراسیا) است. (در کتاب نفت من هویت من ، به اهمیت اوراسیا شرح مفصل داده ام- به زودی منتشر خواهد شد) و هیچ ابرقدرتی بدون اقتصاد قوی نمی‌تواند ادعای قدرت داشته باشد.



این مقدمه برای این بیان شد که بدانیم چین جهت تامین امنیت مسیر تجاری خود در دریا از سال‌های قبل با عربستانی که ساختار کاملا غربی ای دارد وارد توافقات بسیاری شده بود اما هرچه زمان می‌گذشت چین به سمت ایران متمایل تر شده و از اهمیت عربستان کاسته شده است ، در اصل ایران برای نجات خود از تحریم های بین المللی و ایجاد اختلاف بین قدرت‌های جهان باید مسیر تجارتی این کشور ها را تحت سلطه خود در می آورد ، لذا برای اینکار باید یا مانند آمریکا حضور نظامی در سایر کشورها داشته باشد یا بتواند یک اتحادی ایدئولوژیک قوی در منطقه برای مقابله با دشمن مشترک یعنی آمریکا و اسرائیل ایجاد کند که متحدان ایران برای منافع خود و ایران که اکنون یکی است،به دستور ایران عملیات انجام و این یکی از فلسفه های شکل‌گیری محور مقاومت است ، برای این موفقیت کنونی،ایران و مردمانش هزینه های گزافی پرداخت کردند اند لذا اکنون ایران راهی جز گرفتار کردن چین ، مانند آن چیزی که برای روسیه اجرا کرد ، ندارد.

در کتاب نفت من هویت من ، (به زودی منتشر می شود) به ژئوپلیتیک اوراسیا و نقش مخرب ایالات متحده آمریکا و بریتانیا جهت استثمار منطقه های نفت خیز و مولد انرژی ، بصورت کامل صحبت شده است .

با تشکر از همراهی شما :

دکتر مسیح رضوانی